

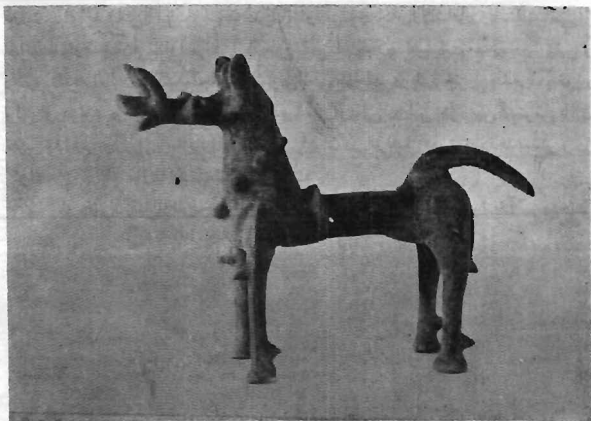
مذهب در گیلان و مازندران

خانها و آقایان محترم .

قبل از اینکه درباره موضوع آئین و رسوم اقوام ساکن جنوبی دریای خزر یعنی ساکنان گیلان و مازندران مطالبی بعرض حضار محترم برسانم ، از مؤسبین فرهنگ ایران باستان تشکر مینمایم که باز هم بمن این فرصت را دادند تا نتیجه بررسیهای خویش را که از کاوشهای گیلان در چند سال اخیر بدست آمده است باطلاع علاقمندانی که در این مجلس حضور دارند برسانم. ضمناً ذکر این نکته را لازم میدانم که کاوشهای منطقه مزبور بدان پایه نرسیده تا بتوان در خصوص آئین و رسوم اقوام نواحی مختلف این سرزمین نظر صریحی ابراز داشت بلکه گفتار امشب فقط نتیجه است که از کارهای چند سال اخیر بدست آمده و راهی جهت پژوهندگان باآثار و آیین باستانی کشور میگشاید .

بعنوان پیشگفتار لازم است شمه ای از موقعیت جغرافیائی سواحل دریای خزر و وضع اقلیمی آن که در دوام سنن و آداب مذهبی این نواحی تأثیر بسزائی داشت مطالبی بطور اجمال گفته شود تا با سنجش آن با آثار و اشیاء پیدا شده در مناطق مختلف حتی المقدور نتیجه مفیدی بدست آید .

نواحی جنوبی دریای خزر را که شامل استانهای گرگان و مازندران و گیلان است کوههای البرز از سایر مناطق ایران جدا میسازد این سرزمین از قدیم بسبب معابر دشوار نسبت به سایر نقاط ایران وضع خاصی داشته است بهمین علت اقوام



مجسمه مفرغی حیوانی شبیه گراز کوروز . قرن ششم - ق - م

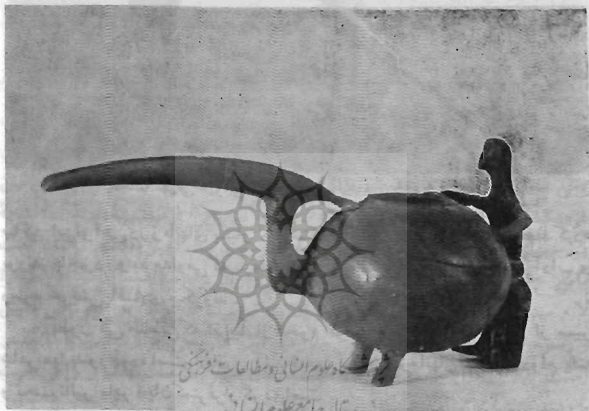
ساکن این نواحی در زمانهای بسیار دور استقلال سیاسی و مذهبی خود را حفظ کرده بودند. با وجود روابط مداومی که با ملل همجوار داشتند ولی در نگاهداری آداب و رسوم خویش پافشاری میکردند.

بطور کلی مناطقی که تقریباً از هجوم اقوام بیگانه محفوظ مانده و از مسیر شاهراهها بدور بوده است ادیان و آئین قدیمی در آن، زمانهای بیشتری دوام یافته و تحت تأثیر سایر ادیان کمتر قرار گرفته است.

در این سرزمینها علاوه بر موانع طبیعی که باعث عدم نفوذ عقاید میگردد عوامل مختلف طبیعت هم با سنن و آداب محلی آنان سازگار بود. از این رو میتوان سواحل دریای خزر را با شبه جزیره هند مقایسه نمود که مذاهب اولیه در این دو محل منوط به پرستش عوامل مختلف طبیعت بود که بعداً بصورت میترائیسم جلوه گری نمود و نزد اقوام این دو منطقه بیشتر دوام و قوام یافت برعکس مناطقی که در مسیر مهاجرت یا هجوم اقوام مختلف قرار میگرفت و نفوذ عقاید در آن رسوخ میکرد. چنانچه عوامل طبیعت هم نسبت به ساکنان این نواحی سازگاری نداشت زمینه تغییر

عقاید برای پذیرفتن آئین و رسوم جدید آماده تر بود. بنابراین اکتشافات باستانشناسی از اوایل هزاره چهارم تا اواخر هزاره سوم قبل از میلاد تغییرات مهمی در آئین و رسوم اقوام اولیه ساکنین نجد ایران و نواحی ساحلی دریای خزر به چشم نمیخورد ولی از هزاره دوم به بعد که نفوذ عقاید و آئین آریائی در این سرزمین گسترش یافت تغییر مذاهب و آئین باستانی اقوام ساکن ایران در فواصل معین در نجد بیشتر و در کرانه های دریای مازندران کمتر بوده است.

در دوران قبل از تاریخ گرچه اقوام ساکن نواحی مختلف ظاهرأ به آئین واحدی

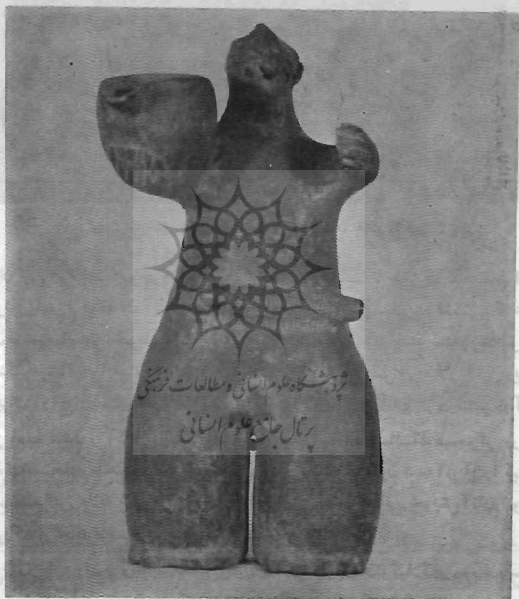


ظرف سفالی خاکستری رنگ با مجسمه و آبریز بلند . کلورزد - قرن هشتم قبل از میلاد

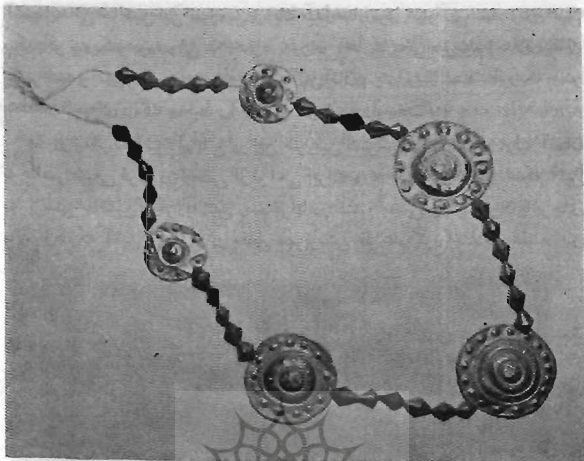
معتقد بودند ولی بعلمت عدم ارتباط بایکدیگر هر قومی که در گوشه ای از این سرزمین به هنر میزیست معتقدات مذهبی او رنگ محلی بخود گرفته بود. البته مظاهر طبیعت در این امر بی تأثیر نبود اما با کمی غور و بررسی در اساس و ریشه این عقاید معلوم میگردد که اصول عقاید اقوام باستانی ایران در هزاره سوم و چهارم قبل از میلاد از یک منبع الهام میگرفت. با اکتشافات متعددی که از سالیان پیش در این کشور انجام گرفت این نتیجه بدست میآید که هر قدر بزمان درزوی نظر انکنیم

آئین ابتدائی ساکنین این سرزمین از يك مبدأ ساده‌تری سیراب میشد و در اصل بیکدیگر نزدیکتر بوده ولی هر اندازه بدوران آغاز تاریخی میرسیم اختلاف عقاید بیشتر شده و تفسیرات مهمی در رسوم و آئین آنان پدید آمده است بطوریکه هر منطقه و ناحیه‌ای رنگگ محیط را با سنن خویش در آمیخت .

در زمانیکه آئین آریائی در این سرزمین گسترش یافت اعتقاد اولیه آنان به عناصر طبیعی نرها در بعضی از نواحی ایران دوام یافت . پس از اینکه آئین مهرپرستی جانشین آن گردید این رسم نرها در هند و بعضی از نقاط ایران پا برجای ماند. زمانیکه آئین مزدائی در مقابل مهرپرستی قد علم کرد اختلاف عقیده بین



مجسمه سفالی قرمز رنگ . کاورز - قرن هشتم - قسم

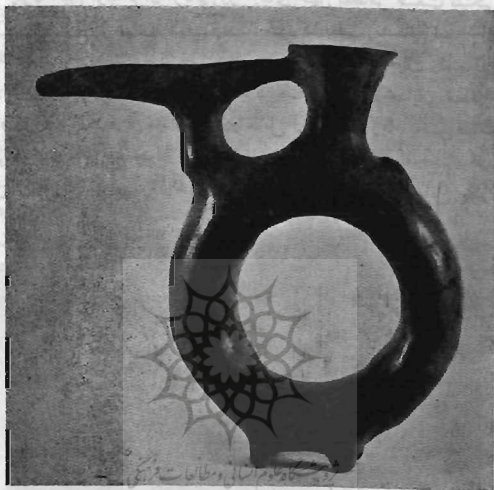


کردن بند عنقیق با تزئینات طلا . کلورز قرن هشتم - قسم

پیروان این دو مذهب بوجرد آمد که آئین اخیر نتوانست تا مدتی در کلیه نقاط ایران گسترش یابد و معتقدان آئین مهرپرستی قرن‌ها در نقاط شمالی و قسمتی از غرب ایران بر رسوم باستانی خویش بقی ماندند خصوصاً به سنگ نبشته خشایارشا موسوم به سنگ نبشته دیوا میتوان استناد جست که تا قرن پنجم قبل از میلاد آئین دیواها در ایران رواج داشت و شاهنشاه مزبور ناگزیر شد که با آنان از درستیز درآید. و نیز بسط تمدن و آشنائی بیشتر اقوام به سنن و آداب ممالک همجوار در این زمان نهضت‌های مذهبی را بوجود آورد که در کتیبه بیستون شمه از آنها میتوان یافت. بنابراین علاقه شدید اقوام این نواحی به رسوم باستانی خویش آنانرا وادار میکرد که از عقاید قدیمی خویش دفاع کنند.

در باره رسوم و عقاید مذهبی اقوام ساکن مازندران و گیلان در دوران باستانی تنها راهی که تا حدی ما را به کشف این مشکل یاری میکند کاوشهایی است که در

مناطق مختلف این سرزمین انجام گرفت. با مطالعه در اشیاء و آثار مشکوفه که زمان آنها از هزاره اول قبل از میلاد شروع و تا قرن نهم میلادی « سوم هجری » ادامه دارد قرائنی بدست آمد که تا حدودی آئین و رسوم و اقوام این ناحیه را روشن میسازد. نکته ای که در این فاصله زمانی جلب توجه می کند و مدت آن به نوزده قرن میرسد طرز تدفین مردگان است که طبق سنن و آداب محلی در این مدت دراز بیک نحو



ظرف سفالی خاکستری رنگ بدور . کلورز قرن ششم - ق - م

بوده است فقط در این زمان طولانی اشیائی که هنگام تدفین در کنار مردگان میگذارند تغییر کرده است و چون تحولات هنری در هر دوره و قرنی اجباراً تابع سبک و شیوه زمان خویش بوده و آئین و رسوم مذهبی کم و بیش در آن تأثیر گذاشته است. اشیاء سفالی و فلزی که برسم آن زمان در کنار مردگان قرار میدادند هر يك مظهر یکی از خدایان یا پدیده های طبیعت بوده است ، که بعداً شکل و تصویر این پدیده ها بصورت

نقشهای تزئینی در اشیاء جدیدتر جلوه‌گری میکند .

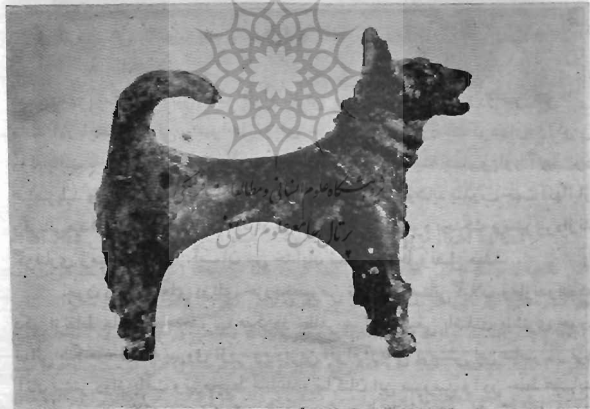
این زمانی است که عناصر جاندار اهمیت و احترام نخستین خود را در دست دارند . آئین بموازات رسوم زمان خویش بطرف وحدت پیش میرفت . یعنی از تعداد مظاهر طبیعی جاندار کاسته میشد و نسوجه به خدایان تخیلی و تصویری معطوف گشت .

چون آئین اولیه نژاد آریائی در دنیای کهن بمظاهر طبیعت بستگی داشت و این قوم تحت تأثیر قوای طبیعی زادگاه خود که بعلت زندگانی نیمه چادرنشینی دائماً شاهد آن بودند بدین جهت قوای طبیعت را عامل اصلی حیات دانسته و پرستش میکردند . آنان نیرو و تظاهرات سودمند طبیعت را بعنوان خدایان مقدس ستایش کرده و مورد عبادت قرار میدادند و در مقابل آنان قوای زیان بخش طبیعت را که تاریکی و خشکسالی میباشد در قالب ارواح پلید در نظر خود مجسم میکردند . در مراحل اولیه برای هر دو قوای سودمند و زیان بخش عبادت و قربانی میکردند ولی

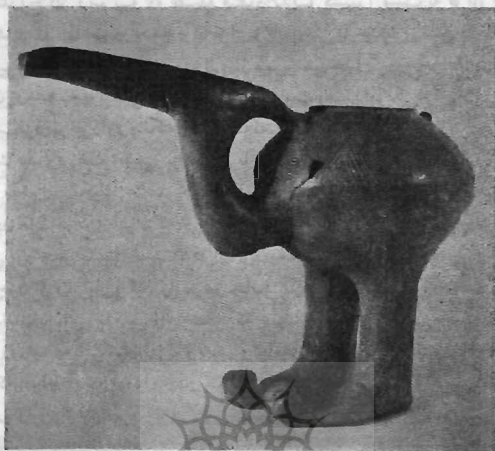


ساغر سفالی قهوه‌ای رنگ بشکر کش . قرن هشتم ق - م

بعداً بتدریج این رسم به دو عقیده متضاد تبدیل گشت : نسبت به قوای طبیعی سودمند از در اطاعت در آمدند و با قوای زیان بخش به جنگ و ستیز برخاستند . بنظر میرسد قبل از اینکه آئین مزدائی از مهرپرستی جدا گردد دیوها یعنی کلیه خدایان در مذهب مهرپرستی مورد پرستش بوده است و همین امر یکی از اختلافات دین دو مذهب فوق بوجود آورد . نکته دیگری که معتقدان را به نیک و بد خدایان مورد پرستش تحریک مینمود وضع اقلیمی نواحی هر ناحیه بود . در مناطقی که این اختلاف کاملاً بچشم میخورد تفکیک عناصر خوب و سهولت مورد قبول عامه قرار میگرفت یعنی در نقاط مرکزی ایران که باران کم و خشکسالی همیشه دامنگیر اقوام ساکن این نواحی بود حس بدبینی نسبت به قوای زیان بخش بیشتر مشاهده میشود . در مراحل اولیه چون از راه نیاز و قربانی توفیق حاصل نمیکردند اجباراً از در جدال و ستیز در آمدند بنا بر این ساکنین این منطقه که همیشه با انواع ناراحتی دست بگریبان بودند زودتر به آئین مزدائی گرویدند و تعالیم آنرا قبول کردند ولی در نواحی دیگر که اقوام آن در فصول چهارگانه در مواقع معین از باران و گرمای خورشید برخوردار بودند الزامی در تغییر آئین خویش نداشتند . روی این اصل سالیان دراز



مجسمه سگ مفرغی . کلورز - قرن هشتم - ق م

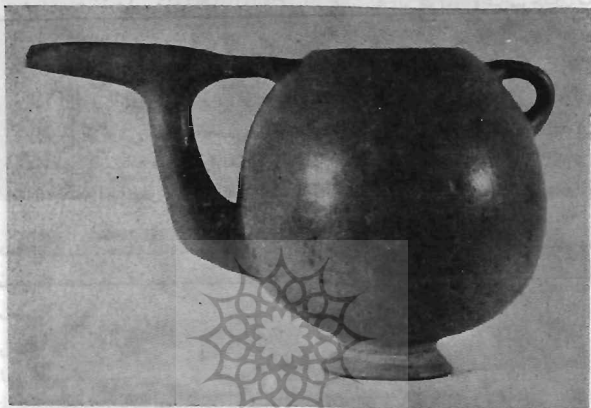


طرف سفالی با آبریز بلند به شکل زنبه تنه آدم. کلورز - قرن ششم - ق - م

مذهب مهرپرستی که آئین اولیه اقوام ساکن ایران و آریائیها بود در سرزمین‌هایی مانند آذربایجان شرقی و سواحل دریای خزر و دامنه دوردست کوه‌های زاگرس دوام یافت. از طرفی چون عناصر و نیروهای طبیعی همیشه یار و یاور آنها بود عناصر بیلید و اهرمین کمتر افکار آنان را بخود جلب می‌کرد و شاید بنابر جهت آنها نیاز و قربانی میدادند زیرا قبل از اینکه افراد مزمن برای شکل خود بجنگ و ستیز بپردازند گرفتاری زمینی آنان در آسمان بین خدایان نیک و بد حل و فصل میشد.

چون در کرانه‌های دریای خزر بخصوص نواحی باستانی گیلان و مازندران که یکی از نقاط حاصلخیز محسوب میگردد؛ تظاهر عوامل طبیعی با شدت بیشتری خود-نمایی میکند، لذا به پیروی از رسوم دیرین اقوام آریائی پرستش این عناصر در نزد آنان بیشتر دوام یافت و نیز محیط مساعد، ساکنان این سرزمین را در حفظ عقاید خویش راسخ تر ساخت. بطوریکه پیروی از این آئین تا قرن سوم هجری ادامه یافت

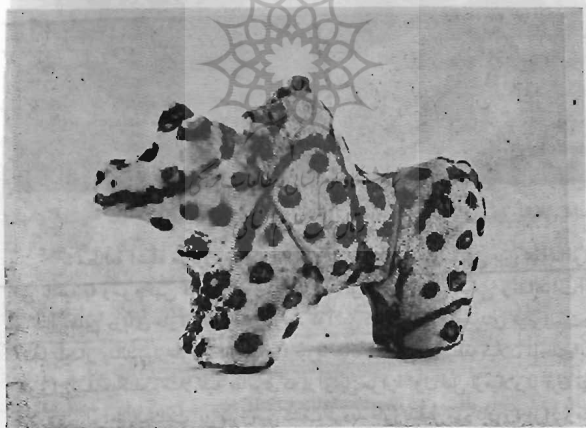
وبکی از علل پافشاری آنان در مقابل قوای مهاجم باین نواحی بود .
 همانطوریکه قبلاً ذکر گردید در کاوشهای گیلان کم و بیش آئین اقوام این
 سرزمین معلوم گردید. خصوصاً طرز تدفین اموات که از اوایل هزاره اول قبل از میلاد
 نازمانهای بعد دوران تحولی را طی نموده است علاوه بر کشف مقابر متنوع اشیاء
 مختلفی شامل مجسمه های انسان و حیوان و ظروف خاصی بدست آمده که هنگام دفن
 در کنار مردگان قرار میدادند.



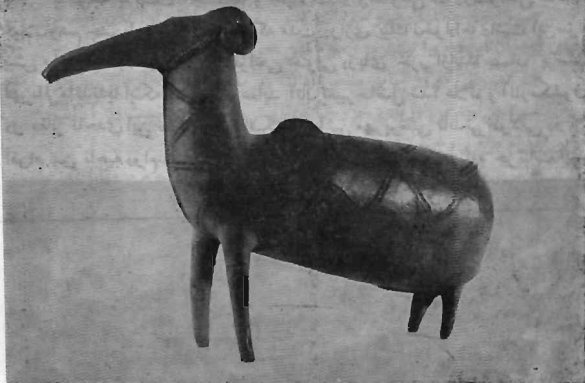
کوزه سفالی قرمز رنگ با آبریز بلند و دهانه بسته . قرن هشتم - ن - م

با مطالعه اشیاء مزبور و موارد استفاده آن میتوان وجه تشابهی بین عقاید اقوام
 این ناحیه با رسوم کهن قوم آریائی پیدا کرد. با توجه به عوامل طبیعی و تظاهرات آن
 در کناره های دریای مازندران بنظر میرسد که آئین کهن تا مدت مدیدی میتواند در
 آنجا پایدار بماند و از طرفی کاوشهای اخیر باستان شناسی در منطقه گیلان تا حدی این
 نظر را تأیید میکند . مثلاً کلیه مقابری که از اوایل هزاره اول قبل از میلاد تا قرن نهم
 میلادی در نواحی مختلف این سرزمین کشف گردید طرز تدفین مردگان را در این زمان
 طولانی یکسان نشان میدهد گرچه شکل مقابر در طول این زمان تغییراتی کرده اجساد

را بترتیب در خاك مقابر سنگ چین قبور زاغه شكل و بالاخره در تابوت دفن میگردند ولی جهت فرار دادن اجساد در مقابر در تمام این مدت تغییر نکرده بود . همین امر دلیل بارزی است بر حفظ شمائر باستانی ساکنین این ناحیه که قرنها نزد آنان پا برجا مانده بود و توانست با قدرت اولیه خویش مدتها پایدار بماند . ولی این نکته را نباید از نظر دور داشت که اعتقاد بپرسوم و آئین اولیه در نزد اقوام مزبور جنبه مذهبی حادی داشت و پرستش عناصر و عوامل طبیعت جزء لاینفك آئین آنان محسوب میشد ولی بتدریج در زمانهای بعد بعضی از این عوامل و عناصر حذف شد بطوریکه در اواخر این دوره که بقرن سوم هجری میرسد در مقابر مردگان به گذاردن ظرف و وسائل زندگی اکتفا گردید . پرستش عناصر و موجودات طبیعی در اوائل هزاره اول و تا اواخر آن از رونق نیافتاد کشف مجسمه های سفالین فلزی نظیر گاو - گوزن - بز کوهی - اسب - گراز - سگ - حتی انسان نمونه بازری از مظاهر این آئین کهن است که هر یک را بمنظور خاصی ساخته و در کنار مردگان میگذارند . مثلاً مجسمه انسانهای سفالین که در چند قبر پیدا شد شکل زن برهنه ایست که با اندامی



مجسمه سفالی لبابدار بشکل گاو کوماندانار . کلوزن - قرن هشتم ق م

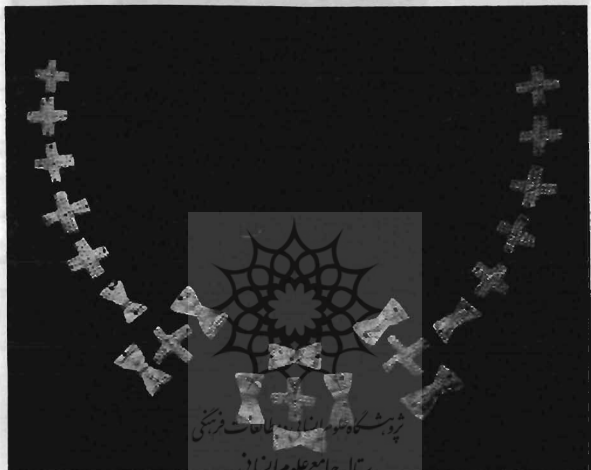


مجسمه سفالی قرمز رنگ . قوچ کوهی . قرن هشتم قبل از میلاد - کلورز

فرجه و گیسوانی بلند ساخته شده و بر سر کلاهی دارد که از سه ردیف نوار برجسته تشکیل می‌گردد. دستها را بوضع متقاطع بر روی سینه نهاده است. قسمت فوقانی بدن لاغرتر از قسمت پائین آنست. مجسمه‌های مشابهی از این نوع در لرستان هم بدست آمده است که مظهر الهه باروری و برکت و زناشوئی بوده است. نکته جالب این است که مجسمه‌های مزبور در قبوری یافت شدند که متوفی در سنین جوانی از دنیا و از مواهب این عالم بی‌بهره مانده بود. منظور از نهادن این مجسمه در این نوع مقابر موارد پرستش الهه مزبور را در آن زمان برای ما روشن می‌سازد.

نوع دیگر مجسمه‌های مکشوف مجسمه‌های متعدد گاونر کوهاندار است که با شکل‌های مختلف از سفال و مفرغ ساخته شده است. گاو از نظر اقوام چشم‌دار یکی از مظاهر برکت و نیرو و فراوانی محسوب می‌شد و نیز گاونر در مذهب مهرپرستی واجد اهمیت بود و در معابد آنها همیشه مظهر مهر را سوار بر گاونر یا در حال کشتن آن نشان میدادند که از ریختن خون این حیوان زمین بارور خواهد شد. همین معتقدات که ریشه و پایه کهن دارد در آئین قدیم آریائیها و اقوامی که قبل از آنان در ایران بودند بصورت ابتدائی وجود داشت.

با توجه به کشف مجسمه‌ها و اشیاء متعدد و متنوعی که در نواحی مختلف گیلان و هم چنین طرز تدفین مردگان که مدت درازی بیک نحو ادامه داشت این سؤال پیش می‌آید که آیا اقوام ساکن نواحی جنوبی دریای خزر از ابتدا بهمان پرستش مهرباقی مانند ندیا اینکه بتدریج در عقاید آنان تغییر حاصل شد؟ علائم و آثار مکشوف در مقابر تاحدی این نظر را تأیید میکند که آئین مهرپرستی تا مدتی طولانی در نزد اقوام این ناحیه دوام داشت ولی هنوز بسیار زود است تا درباره جزئیات این



تزیینات روی لباس از طلا - کلورز - قرن هشتم قبل از میلاد

موضوع نظر قاطعی ابراز داشت چون آثار و اشیاء پیدا شده فقط راهی را جهت تحقیق و تتبع علاقمندان باز میکند بنا بر این هر قدر دامنه کاوشها در این نواحی توسعه یابد کمک بیشتری در کشف این امر خواهد کرد.

با توجه بمطالب فوق نتیجه‌ای که از کاوشهای گیلان درباره رسوم و آئین اقوام ساکن این ناحیه بدست آمد شامل نکات زیر است:

۱- بعلت موقبت خاص محلی و جلوه مختلف طبیعت اعتقاد به عوامل و عناصر

طبیعی قرن‌ها در این سرزمین دوام یافت .

- ۲- وجود جنگل‌ها و مسجودات متنوع آن وریش بارانهای حاصلخیز با آبهای فراوان این قوم را بیشتر به رسوم کهن خویش پای بند نمود .
- ۳- تغییراتی که در سایر مناطق ایران در مذهب اولیه آریائی بوجود آمده بود در سواحل جنوبی دریای خزر به‌کندی پیش رفت و نتوانست در آداب و سنن دیرین اقوام مزبور رخنه کند .
- ۴- ضمناً پایداری اقوام کرانه‌های دریای خزر تا قرن سوم در مقابل نفوذ قوای مهاجم خارجی ایمان راسخ آنانرا به عقاید قدیمی خویش محرز میسازد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال جامع علوم انسانی